

پیش‌خواب

نظر و گذری بر
خاطرات میخائیل رمضان

در مصائب شباهت به صدام حسین!

■ شاهد توحیدی



ابراهیمی تر جمه و از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است. تارنمای نامر در بازنمایی محتوای کتاب چنین آورده است: «شبیه صدام مجموعه‌ای از خاطرات یک معلم عراقی به نام میخائیل رمضان است که به خاطر شباهت زیادش به صدام‌حسین در سال ۱۹۷۹ از سوی یکی از نزدیکانش به حزب بعث معرفی شد. رمضان پس از انجام یک عمل جراحی تا سال ۱۹۹۷ نقش بدل صدام را در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی بازی کرد. رمضان در این کتاب، اسرار زیادی را فاش کرده‌است او دیدارهایی با حسنی مبارک و یاسر عرفات داشت که آنها متوجه نشدند او صدام نیست! رمضان در نهایت با کمک نیروهای کرد و سازمان سیاه ترکیه فرار کرد. سپس از ترکیه به امریکا رفت. رمضان از جبهه جنگ عراق با ایران و روزهای اشغال کویت هم بازدیدهایی داشته که شرح‌شان در کتاب آمده است. حتی در پایان کتاب شبیه صدام، تصویری از میخائیل رمضان به چاپ رسیده است که او را به جای صدام در حال بازدید از جبهه‌های جنگ عراق علیه ایران نشان می دهد. ما ایرانی‌ها از صدام هیچ خوش‌نام نمی آید، اما بد نیست که فرصت مطالعه یک کتاب را از دست ندهیم: شبیه صدام! میخائیل رمضان که شباهت بسیار زیادی به صدام داشته و سالیان مدیدی در بسیاری از محافل به جای او حضور می یافته، در این کتاب خاطرات خود را از ایفای نقش صدام بازگو کرده است. رمضان حرف‌های خود را از آنجا آغاز می کند که همین شباهت، باعث



◀صدام حسین دیکتاتور سابق عراق

در ده‌سری برای او شده بود، چون همان ایام هم صدام چهره محبوبی نزد عراقی‌ها نبوده‌است. بعد به مشروح دیدار خود با صدام می پردازد و تمرین هایی که باید انجام می داده تا نقش صدام را ایفا کند. در فصل بعدی کتاب می‌خوانیم که روی صورت میخائیل رمضان جراحی زیبایی انجام می‌شود تا بیشتر به صدام شبیه شود. بعد هم به عنوان اولین حضور در صحنه، رمضان به جای صدام به بازدید از بیمارستان های عراق می پردازد!او سپس به شرح خاطرات و مخاطراتی می پردازد که این وظیفه سنگین برایش به همراه داشته است. از جمله اینکه یکبار به جای صدام اشتباه گرفته شده و روبروه می‌شود. بعد هم رژیم عراق مبلغ کلانی را می پردازد تا او را آزاد کند. با این موضوع اشاره می کند که چگونه به جای صدام در جبهه‌های جنگ حضور می یافته و در یکی از همین بازدیدها از سوسی کوری از فرماندهان عراقی در معرض ترور قرار می گیرد و به شدت مجروح می‌شود. اما زنده می ماند تا روی غریب‌ترین و تلخ ترین ماجراهایی باشد که صدام باعثش بوده است. نمونه این اتفاق، دیداری است که رمضان به جای صدام از زندان های عراقی داشته‌است. او صحنه‌هایی از شکنجه و کشتار زندانیان را تعریف می کند که از فرط موحش بودن غیرواقعی می نمایند. با این همه، کتاب پایانی خوش دارد و میخائیل رمضان بعد از اشغال کویت از سوی عراق از این کشور می‌گریزد و ساکن نیویورک می‌شود....»

رمضان در توصیف شرایط دوره اسارت خویش در دست کردها نیز اشاراتی به قرار ذیل دارد: «میان کردها دولت، مذاکرات بیش از پنج ماه ادامه داشت. طی این مدت من که در چهار سال گذشته چاق شده بودم، حدود ۱۰ کیلوگرم وزن کم کردم. راینندگان به تغذیه من توجه داشتند و مرا گرم‌سنه نمی گذاشتند. غذای من، مانند غذای خودشان بود، نان و برنج و چای. به من یابی‌نشد یا مورد ضرب و شتم قرار نگرفتم. راینندگان انسان‌هایی منطقی بودند که تلاش های خود را روی آزادسازی مردمشان از ظلم حزب بعث – که طی سه دهه خون فرزندان آنها را بر زمینه ریخته بود- متمرکز کرده بودند...»

■ **مریم صادقی‌بری**

جیمی ارل کار تر سنوینور، معروف به **جیمی کار تر سسی** و نهمین رئیس جمهور ایالات متحده امریکا بود که در سال ۱۹۹۷.م و با کسب پیروزی قاطع به کاخ سفید راه یافت. در دوران ریاست جمهوری او انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست و وی را با بحران و وضعیت پیچیده‌ای مواجه کرد. از همان روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، افسانه‌ای از سوی اپوزیسیون مطرح شد که علت اصلی پیروزی انقلاب ایران، مساعدت قدرت های غربی و به خصوص کار تر با این حرکت مردم ایران بوده است. مقال پی آمده با بررسی کارنامه دولت کار تر در مواجهه با این رویداد بزرگ تا مشخصه‌ها به پاسخ این شبهه می پردازد. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموماً علاقه‌مندان را مقنید و مقبول آید.

■■■■

■ **چرای ادعای حقوق بشر کار تر**

در دهه پایانی حیات رژیم پهلوی، وضعیت جامعه ایران از جنبه‌های گوناگون اسفبار می‌نمود و با وجود برخی اصلاحات نمادین شاه نیز تغییری در آن ایجاد نشده بود. به گفته چارلز کراسمن، «شاه شخصیت خشنی داشت که اجازه هیچ گونه مخالفتی را نمی داد...» در این زمان هر چقدر از قدرت و اقتدار شاه کاسته می‌شد، بر خشونت و جنایت ساواک افزوده می گردید! قتل، آتش زدن اماکن، شکنجه و... از اقدامات رایجی بود که ساواک از آن استفاده می کرد تا مردم را از اقدام علیه حکومت بازدارد. این وضعیت موجب شد تا سازمان غفو بین الملل در سال ۱۹۷۵.م در بیانیه‌ای اعلام کند: «هیچ کشوری در جهان، وضعیت نابه‌ممان نقش حقوق بشر را در ایران ندارد!...»^۱

طراحی سیاست خار جی دولت امریکا بر محور حقوق بشر، نخستین بار در جریان برگزاری میز انتخابات در

سایروس ونس وزیر خار جه وقت **امریکا**: «**کار تر** طی نطقی سر میز شام، **ایران را جزیره ثبات خواند!** **این اصطلاح علاوه بر آنکه تعارف معمول در چنین موقعیتی به شمار می‌رفت، با گزارش‌هایی که از طرف منابع اطلاعاتی ما درباره اوضاع ایران داده می‌شد، تطبیق می‌کرد، ولی بحران ایران که علائم آن به زودی آشکار شد، خلاف این نظر را ثابت کرد و کلمات رئیس جمهوری در تهران در طول این بحران، مرتباً در گوش ما خوانده می‌شد...**»



دی ۱۳۵۶. جیمی کار تر در سفر به ایران

خبر حمایت کار تر از جنایت رژیم پهلوی در میدان ژاله در رسانه‌ها باز تاب گسترده‌ای داشت. رژیم که سعی می کرده مخالفان خود را مرعوب کند، بر انتشار این خبر دامن می زد. روزنامه‌ها به نقل از اطلاعاتیه کاخ سفید نوشتند: «کار تر با شاهنشاه تماس گرفته و وضع کنونی ایران را که در آن تظاهرات ضد دولتی به رهبری افراطی‌ها جریان داشته و دست کم ۹۵ نفر کشته بر جای گذار ده، مورد بحث قرار داده است. پرزیدنت کار تر مناسبات نزدیک و دوستانه میان ایران و امریکا را مورد تأیید قرار ده است...»

دی ۱۳۵۶. جیمی کار تر در سفر به ایران

حمایت همه‌جانبه کار تر از شاه

با پیام مساعدت واعزام هایزر به ایران

بود که رژیم بعد از فاجعه آتش سوزی سینما رکس آبادان تصمیم به اعلام حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر گرفت. در این زمان کشتار مردم در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان ژاله (شهپادی فعلی)، با حمایت امریکا و دولت کار تر یکی از نقاط عطف انقلاب اسلامی و کاتالیزور آن محسوب شد. همزمان با این فاجعه دردناک، رؤسای کشور های امریکا، مصر و رژیم صهیونیستی، در کمپ دیوید مشغول مذاکرات سازش بودند. فردای آن روز وارن کریستوفر، معاون وزیر امور خار جه امریکا از واشینگتن با سایروس ون، وزیر امور خار جه- که در کمپ دیوید بود- تماس برقرار کرد و «وصیه کرد که پرزیدنت کار تر هر چه زودتر با شاه صحبت کند...» ونس گزارشی از وضعیت ایران را به کار تر ارائه داد و از کار تر خواست تا با شاه تماس بگیرد.^[۱] ابتدا انور سادات با شاه تماس گرفت و «مراتب همدردی و پشتیبانی خود را از شاه به وی اطلاع داد...»^[۲] سپس کار تر با شاه تلفنی صحبت کرد و «پشتیبانی امریکارا از وی در اقداماتی که برای برقراری نظم به عمل می آورد، تأیید کرد...»^[۳] در سندی از مجموعه اسناد لانه جاسوسی امریکا در ۱۹ شهریور ۱۳۵۷، با موضوع مکالمه تلفنی کار تر با شاه آمده است: «رئیس جمهور... به شاه ایران تلفن کرد و در مورد وضع فعلی ایران با او بحث کرد. رئیس جمهور روابط نزدیک و دوستانه بین ایران و امریکا و اهمیت اتحادیه ادامه‌دار ایران با غرب را دوباره تصریح کرد...»^[۴]

خبر حمایت کار تر از جنایت رژیم پهلوی در میدان ژاله در رسانه‌ها باز تاب گسترده‌ای داشت. رژیم که سعی می کرد مخالفان خود را مرعوب کند، بر انتشار این خبر دامن می زد. روزنامه‌های کیهان و اطلاعات اعلام کردند که «کار تر با شاهنشاه مکالمه تلفنی کرد.» روزنامه‌ها به نقل از اطلاعاتیه کاخ سفید نوشتند که «کار تر با شاهنشاه تماس گرفته و وضع کنونی ایران را که در آن تظاهرات ضد دولتی به رهبری افراطی‌ها جریان داشته و دست کم ۹۵ نفر کشته بر جای گذار ده، مورد بحث قرار داده است. پرزیدنت کار تر مناسبات نزدیک و دوستانه میان ایران و امریکا را مورد تأیید قرار داده است ونسبت به ادامه جنبش اعطای آزادی سیاسی اظهار امیدواری کرده است...» خبر گزاری فرانسه اعلام کرد: «کار تر با شاه تماس گرفته و پشتیبانی از رژیم تهران را تأیید کرده است.»^[۱] خبر حمایت کار تر از شاه آن هم بعد از قتل عام مردم تهران، ملی گریان که به او امید بسته بودند را مبهوت کرد در موضع امام خمینی را به شدت تثبیت کرد. امام در عکس العمل به این پیام کار تر در مصاحبه با رادیو تلویزیون فرانسه فرمودند: «آقای کار تر که برای یک زندانی در شوری انقدر مهربان در آورد، پس از کشتار های بیایی شاه، پشتیبانی خود را از او دریغ نکرد... این به خاطر این است که امریکا به دنبال منافع خودش فقط هست...»^[۲]

■ **پیامدهای فاجعه ۱۷ شهریور**

برخورد خونین نیروهای نظامی با مردم نه تنها کمکی به شاه نکرد، بلکه به گفته جیمی کار تر موجب شد تا هم قدرت و هم جمعیت و هم تعداد نظاره‌کنندگان افزایش یابد.^[۱] علت افزوده شدن بر قدرت و جمعیت این بود، بر خسی از مردمی که گزارش‌هایی که از طرف منابع اطلاعاتی ما درباره اوضاع ایران داده می‌شد، تطبیق می کرد، ولی بحران ایران که علّام آن به زودی آشکار شد، خلاف این نظر را ثابت کرد و کلمات رئیس جمهوری در تهران در طول این بحران، مرتباً در گوش ما خوانده می‌شد...»^[۲] در این دیدار اقدامات حقوق بشری شاه هم به صورت حاشیه و نه در مرکز گفت و گو‌ها مورد تأیید و تشویق قرار گرفت. این مسئله در تضاد کامل با شعارهای انتخاباتی کار تر بود که پیش تر آن را اعلام کرده بود.

■ **حمایت از کشتار شاه در ایران**

در روزهایی که حیات رژیم پهلوی به شماره افتاده بود، رژیم از اجرای هر تر فند و اقدامی برای حفظ خود کوتاهی نمی کرد. یکی از مهم ترین اقداماتی که همواره در طول سال های حکومت پهلوی به عنوان مهم ترین عامل بقا به شمار می رفت، ایجاد رعب و وحشت در میان مردم با اجرای سیاست سرکوب بود. پرویز راجی، آخرین سفیر شاه در لندن در خاطرات خود در ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ می نویسد: «در ملاقات با هوشنگ انصاری، وزیر دارایی به او گفتم، اعلیحضرت فعلاً چاره‌ای ندارد جز اینکه خونسردی خود را حفظ کند. اوضاع را به حال خود بگذارد و در خصوص خونریزی و خرابکاری مخالفان دست به تبلیغات برند تا بلکه طبقات متوسط از خواب غفلت بیدار شده و به عواقب سلطه اجارم و اوباش پی برند. وقتی کارد به استخوان همه رسید باید یک واقعۀ قهرآمیز و مرگبار و ویرانگر را بهانه قرار دهه، به عکس العمل محکم و چشمگیری دست بزنه، از تش را به صحنه آورد و با هر مقدار خشونت که لازم باشد به سر کوبی مخالفان بپردازد.»^[۱] بر مبنای همین سیاست

برخورد خونین نیروهای نظامی با مردم نه تنها کمکی به شاه نکرد، بلکه به گفته جیمی کار تر موجب شد تا هم قدرت و هم جمعیت و هم تعداد نظاره‌کنندگان افزایش یابد.^[۱] علت افزوده شدن بر قدرت و جمعیت این بود، بر خسی از مردمی که گزارش‌هایی که از طرف منابع اطلاعاتی ما درباره اوضاع ایران داده می‌شد، تطبیق می کرد، ولی بحران ایران که علّام آن به زودی آشکار شد، خلاف این نظر را ثابت کرد و کلمات رئیس جمهوری در تهران در طول این بحران، مرتباً در گوش ما خوانده می‌شد...»^[۲] در این دیدار اقدامات حقوق بشری شاه هم به صورت حاشیه و نه در مرکز گفت و گو‌ها مورد تأیید و تشویق قرار گرفت. این مسئله در تضاد کامل با شعارهای انتخاباتی کار تر بود که پیش تر آن را اعلام کرده بود.

برخورد خونین نیروهای نظامی با مردم نه تنها کمکی به شاه نکرد، بلکه به گفته جیمی کار تر موجب شد تا هم قدرت و هم جمعیت و هم تعداد نظاره‌کنندگان افزایش یابد.^[۱] علت افزوده شدن بر قدرت و جمعیت این بود، بر خسی از مردمی که گزارش‌هایی که از طرف منابع اطلاعاتی ما درباره اوضاع ایران داده می‌شد، تطبیق می کرد، ولی بحران ایران که علائم آن به زودی آشکار شد، خلاف این نظر را ثابت کرد و کلمات رئیس جمهوری در تهران در طول این بحران، مرتباً در گوش ما خوانده می‌شد...»



دی ۱۳۵۶. جیمی کار تر در سفر به ایران

حصول توافق در این زمینه با یسان پذیرفت که یک پیام پشتیبانی قوی و جدی برای شاه ارسال شود، ولی اتخاذ هر گونه تصمیمی برای مقابله با بحران به عهده خود شاه گذاشته می شد و امریکا مسئولیتی در قبال اقدامات احتمالی شاه به گردن نمی گرفت...»^[۱] او در ادامه، در مورد مفاد سخنان خود و شاه می نویسد: «به شاه گفتم، اولاً ایالات متحده امریکا بدون قید و شرط و به طور کامل از شما در بحران فعلی پشتیبانی می کند. ثانیاً هر چه شما درباره شکل و ترکیب دولت آینده خود بگویید، مورد تأیید ما خواهد بود، ثالثاً ما هیچ راه‌حل خاصی را به شما پیشنهاد نمی کنیم و هر گونه تصمیمی را که خود مناسب بدانید، تأیید خواهیم کرد...»^[۲] در مورد هدف خود از گفت و گو با شاه می نویسد: «هدف من از انجام این مکالمه تلفنی با شاه این بود که او را از حمایت رئیس جمهوری و دولت امریکا مطمئن سازم و او را به اعمال قدرت پیش از اینکه اوضاع از کنترل خارج شود، تشویق نمایم...»^[۳]

■ **ژنرال هایزر و مأموریت اجبرای کودتا در ایران**

با وخامت اوضاع و عدم نتیجه‌گیری در توقف اعتراضات مردمی، هارولد براون وزیر دفاع پیشنهاد کرد که امریکا برای کسب اطلاعات بیشتر از موقعیت فرماندهان عالی نظامی ایران و تحت تأثیر قرار دادن آنها باید یک ژنرال عالی‌رتبه به ایران اعزام کند. براسای این مأموریت، ژنرال رابرت داچ هایزر، معاون نیروهای ناتو در اروپا برگزیده شد. او قبلاً نیز به ایران آمده بود و مقامات بالای ار تش ایران را می شناخت. براون برای او نقشی مانند یک مشاور در نظر گرفته بود. او کار تر را متقاعد ساخت تا به جای اعزام یکی از افراد کابینه خویش، هایزر را بفرستد که مورد موافقت قرار گرفت.^[۱] «اعزام هایزر به ایران، در حقیقت واپسینی تلاش دولت امریکا برای غلبه بر بحران ایران از طریق دستاویزهای قانونی و در چارچوب قانون اساسی مشروطه بود که در صورت شکست باید به قهر و خشونت منتهی شود...»^[۲]

در حقیقت مأموریت هایزر به ایران، برای اجرای طرح کودتا در ایران بود. چنانچه بعد از بازگشت به امریکا، رژیگنیو برزنسکی مشاور امنیت ملی کار تر از او می پرسد که آیا آمادگی برای کودتا همانطور که بارها گزارش داده است، وجود دارد؟ هایزر جواب می دهد: «ار تش ظرف ۲۴ ساعت، آمادگی شروع عملیات را دارد...»^[۳] در این خصوص، حتی نام و نشانی صدها تن از رهبران سیاسی و مذهبی مخالف رژیم که باید همزمان با شروع عملیات دستگیر شوند نیز فهرست شده بود. در روز ۲۱ بهمن اوضاع چنان نامنتظره تغییر یافت که بختیار و فرماندهان ار تش ناگزیر گردیدند دستور آغاز عملیات را صادر کنند، اما این توطئه با فرمان امام خمینی مبنی بر بی توجهی به حکومت نظامی، رسماً به شکست انجامید و اندیشه کودتای مجدد امریکا در ایران، تنها به سوزهای برای ثبت در تاریخ معاصر ایران مبدل شد.

■ **کلام آخر**

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.ش، ایران به حیات خلوت امریکا تبدیل شد. این کشور در طول ۲۵ سال از غارت و چپاول منابع ایران برخوردار بود. ایران در این دوران، بزرگ ترین خریدار تسلیحات نظامی از ایالات متحده بود و به عنوان زاندارم منطقه، به حفظ منافع امریکا می پرداخت. همین امر باعث شد تا امریکا برای حفظ رژیم پهلوی از سیاست‌های ضدحقوق بشری شاه در کشتار مردم حمایت کند و حتی سعی در اجزای گزینه‌هایی مانند شفت آهین، کشتار وسیع و اجرای کودتای نظامی باشد.

منابع:

۱- *مهدی خاتعلی‌زاده*، کریسمس در نیساوران، قم، کتابساز، نشر معرفت، ۱۴۰۰ش، صص ۲۶-۲۳.

۲- همان، صص ۱۶-۱۴.

۳- *سایروس ونس و رژیگنیو برزنسکی*، توطئه در ایران، ترجمه محمود مشرق، انتشارات هفته، ۱۳۶۲ش، صص ۲۰-۲۱.

۴- پرویز راجی، در خدمت تخت طاووس، ترجمه حسن کاشانه، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱ش، صص ۲۷۶.

۵- *سایروس ونس*، توطئه در ایران، ترجمه محمود طالعی، انتشارات هفته، تهران، ۱۳۶۲، صص ۲۵.

۶- *ویلیام سولواکان*، مأموریت در ایران، ترجمه محمود مشرقی، انتشارات هفته، تهران، ۱۳۶۱، صص ۱۱۵-۱۱۴.

۷- *سایروس ونس*، پیشین، صص ۲۵.

۸- *اسناد لانه جاسوسی*، جلد یک، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، صص ۲۰۳.

۹- *روزنامه‌کیهان و اطلاعات*، ۱۳۵۶/۶/۲۰.

۱۰- *صحیفه امام خمینی*، ج ۳، صص ۴۷.

۱۱- *جیمی کار تر*، ۴۴۴ روز: ماجرای گروگان‌های امریکا در ایران، ترجمه عباس مخبر، طرح نو، تهران، ۱۳۷۱، صص ۱۲.

۱۲- *ماورین زونیس*، شکست شاهانه، ترجمه اسماعیل زند وبتول سمیدی، تهران، نشر نو، ۱۳۷۱، صص ۴۴۲.

۱۳- *پیر یلاش، انقلاب بنام خدا*، ترجمه قاسم صنعوی، سحاب کتاب، تهران، ۱۳۵۸، صص ۶۵.

۱۴- *در آستانه انقلاب اسلامی*، (اسنادی از واپسین سال‌های حکومت پهلوی، به کوشش جلال فرهنگد، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، صص ۲۸۲.

۱۵- *توطئه در ایران*، صص ۱۱۵-۱۱۴.

۱۶- همان، صص ۱۱۶.

۱۷- همان، صص ۱۱۷.

۱۸- *رمنرنگ، اسکارت*، امریکا و سقوط شاه، ترجمه خورشید، بی جا، بهرام، تیر ۱۳۶۰، صص ۶۹-۶۸.

۱۹- *ملای، علیرضا*، «تحلیلی از مأموریت ژنرال هایزر در ایران»، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، صص ۳.

۱۳، زمستان ۱۳۸۷، صص ۸.

۲۰- مأموریت در تهران، صص ۲۸.